نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۵۳۲، دورهٔ هشتم
سال چهاردهم، ۵ خرداد ۱۳۷۷

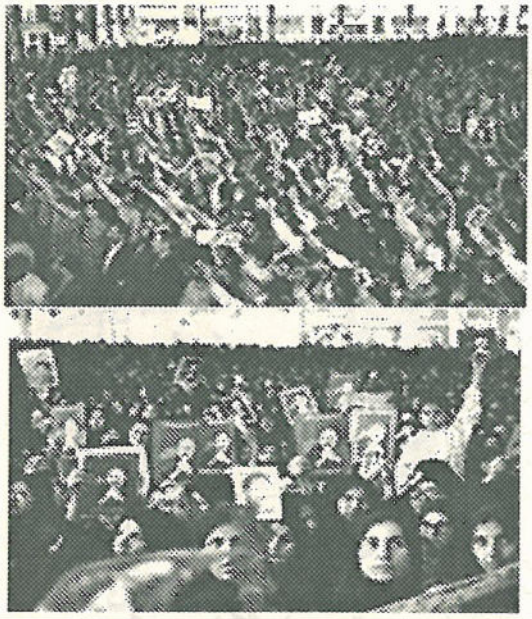

«صدا و سیما، اصلاح باید گردد! نیروی انتظامی، اصلاح باید گردد!
یزدی، یزدی استعفا، استعفا!»
«مرگ بر انحصار، مرگ بر آمریکا»

۱۰۰ نفر از دانشجویان شرکت کننده در مراسم ۲ خرداد در دانشگاه تهران توسط نیروهای انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

گزارش در صفحه ۳

اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران پیرامون دوم خرداد، سالروز بیان تاریخی ارادهٔ قاطع توده های میلیونی در نفی رژیم «ولایت فقیه»

هم میهنان گرامی،

سالگرد دوم خرداد ماه، روز حرکت تاریخی شما در نبرد علیه ارتجاع، استبداد و واپسگرایی حاکم بر میهن ما فرا می رسد. یک سال پیش، در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، شما با وجود همهٔ تمهیدات، توطئه ها و فشارهای رژیم ارتجاعی به پای صندوق های رأی رفتید و با رای ۲۰ میلیونی خود حکم تاریخی نفی رژیم «ولایت فقیه» را صادر کردید. شما به روشنی انزجار عمیق خود را از اختناق قرون وسطایی حاکم، تجاوز به حقوق شهروندان، خصوصاً زنان، و نیز اعتراض سرتاسری خود را به بی عدالتی و ظلم اعلام کردید و خواهان حرکت به سمت استقرار آزادی، جامعه مدنی و تحقق عدالت اجتماعی شدید. شما با وجود دستورات «ولی فقیه»، بخش بزرگی از روحانیت، از جمله مدرسین حوزهٔ علمیه قم و جاهای دیگر، و تبلیغات کرکننده و قطع ناشدنی صدا و سیمای استبداد، نشان دادید که دیگر حاضر نیستید اوضاع فاجعه بار حاکم بر میهن را تحمل کنید، و آماده اید تا گام های جدی در راه مبارزه برای پایان دادن به رژیم ارتجاعی حاکم بردارید. کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، در اعلامیهٔ خود در ۵ خردادماه ۱۳۷۶، پیرامون این رویداد تاریخی میهن ما از جمله نوشت: *«هفتمین انتخابات ریاست جمهوری رژیم «ولایت فقیه» در شرایط ادامهٔ حکومت استبدادی، غیر قانونی بودن کلیه احزاب و سازمان های سیاسی، صنفی و دگر اندیش، در نبود آزادی و در شرایطی که شورای نگهبان به هیچ نامزد مستقلی اجازهٔ شرکت در انتخابات را نداد برگزار شد. در شرایط نبود یک آلترناتیو روشن و دموکراتیک در مقابل رژیم استبدادی حاکم، انتخابات برای مردم میهن ما به انتخاب میان گرایشات موجود در درون رژیم «ولایت فقیه» محدود شده بود... در چنین شرایطی و در حالی که مراکز پرقدرت رژیم در هرم رهبری آن مانند «ولی فقیه»، شورای نگهبان، حوزهٔ علمیه قم (علیرغم برخوردهای درونی)، جامعه روحانیت مبارز و بخش مهمی از رهبری روحانیت، ناطق نوری (نمایندهٔ جناح حاکم) را به عنوان نامزد «اصلح» و مورد تأیید خود معرفی کردند و رای دادن به نامبرده را «وظیفهٔ شرعی» مردم اعلام کردند، توده های عظیم خلق علیرغم شرایط غیر دموکراتیک تحمیل شده ضربهٔ قاطعی را به گردانندگان رژیم ولایت فقیه زدند و با رأی خود مخالفت آشکار و صریح خود را با «ولایت فقیه» و سیاست های ضد مردمی اش به روشنی اعلام کردند. رأی ۲۰ میلیونی مردم را*

ادامه در ص ۶

جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا: روابط «مقتدرانه و سودمند» یا احتیاج و درماندگی؟

توافق بیل کلینتون، رییس جمهوری آمریکا، با روسای کشورهای اروپایی، مبنی بر عدم استفاده از مجازات اقتصادی به ضد شرکت هایی که با ایران قرارداد اقتصادی، بیش از ۴۰ میلیون دلار امضاء کنند، در جریان برگزاری کنفرانس سران هشت کشور صنعتی جهان، در بیرمنگام، بازتاب وسیعی در مطبوعات داخلی و خارجی داشت. رژیم جمهوری اسلامی این توافق را پیروزی بزرگی برای خود تلقی کرد و روزنامه های ایران با شور و شعف ویژه ای از سرازیر شدن هیأت های اقتصادی اروپایی به ایران خبر دادند. روزنامهٔ ایران، که به جناح رفسنجانی وابسته است، در مطلبی زیر عنوان «موج جدید استقبال» (یکشنبه، ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷) از هجوم شرکت های فراملی به ایران نوشت: «بعد از قرارداد توتال و بی اعتبار شدن قانون داماتو، خیز بزرگ شرکت های بزرگ اروپایی و آسیایی برای مشارکت اقتصادی با ایران آغاز شد... در این روزها خبر ورود هیأت های بلند پایه اقتصادی از هلند، چین، بلژیک و فرانسه، و باز گشایی دفتر بریتیش پترولیوم [شرکت نفت انگلیس] در تهران از جمله مباحثی است که نمی توان بسادگی از آنها گذشت...»

افزون بر این، در ماه های اخیر با تصمیم مقام های بلند پایهٔ اتحادیه اروپا، مبنی بر لغو ممنوعیت تماس وزرای خارجه کشورهای عضو این اتحادیه با

ادامه در ص ۴

سخنرانی نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در نروژ در ص ۵

اعتصاب غذای کارگران کارخانهٔ جوراب آسیا در ص ۲
حزب «کارگزاران سازندگی» اجازهٔ تأسیس گرفت در ص ۲
رفیق حسن جلالی، قهرمانی فروتن از تبار کارگران در ص ۳
پنجاه سال مبارزهٔ مشترک - اعلامیهٔ حزب کمونیست اسراییل در ص ۸

با هم به سوی تشکیل جبههٔ واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اعتصاب غذای کارگران در کارخانهٔ جوراب آسیا

بر اساس گزارش روزنامهٔ «کار و کارگر»، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه، ۱۳۷۷، «کارگران کارخانهٔ جوراب آسیا به دلیل تغییر مدیریت پیاپی در شرکت و پایین بودن حقوق خود ۲ روز است که دست به اعتصاب غذا زده اند.» یکی از کارگران کارخانه در پاسخ به سئوال خبرنگار «کار و کارگر» از جمله گفت: «ما خواهان کار و تولید هستیم ولی مدیریت شرکت مواد اولیه به کارخانه وارد نمی کند و به همین دلیل کارخانه از کار افتاده است. کارگران خواستار این هستند که جوراب آسیا از زیر نظر بنیاد مستضعفان خارج شود...» بر اساس گفته همین کارگر اعتصابی: «از زمانی که کارخانه جوراب آسیا تحت پوشش بنیاد قرار گرفته است، جزو بدترین کارخانه های خاورمیانه شده است...»

هادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری دستگیر شد

بر اساس گزارش روزنامهٔ «فردا»، پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه، هادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری، و برادر مهدی هاشمی، که قبلاً توسط رژیم اعدام شده بود، دستگیر شده است. بر اساس همین گزارش، دستگیری هادی هاشمی در پی درگیری های اخیر اصفهان و نجف آباد و دستور خامنه ای برای گسیل شدن مزدوران رژیم به این دو شهر است. روزنامهٔ فردا از قول «یک مقام آگاه امنیتی» نوشت که: «مهدی هاشمی معدوم، عمدتاً تحت تأثیر برادرش هادی هاشمی بوده است. به گفته این منبع مهدی هاشمی در زندان گفته بوده است مگر می شود یک شقه از گوسفند حلال باشد و شقه ای دیگر حرام. اخوی به اندازهٔ من در ایجاد مسایلی که به آن متهم هستم نقش داشته است...» به گفته روزنامهٔ «فردا» در آن شرایط هادی هاشمی بدلیل آنکه داماد آقای منتظری بود، از مجازات رهایی یافت.

بر اساس همین گزارش ها، در میان دستگیر شدگان، نام نصراللهی، یکی از نزدیکان مهدی هاشمی و آیت الله منتظری نیز دیده می شود.

گفته می شود که در پی برخوردهای نماز جمعه هفته گذشته اوضاع در اصفهان و نجف آباد همچنان بحرانی است.

«پایان انقلاب»

روزنامهٔ «جامعه» در مقاله ای با عنوان «پایان انقلاب»، «روش ها» و «ارزش های» انقلاب را در شمارهٔ دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ماه، مورد بررسی قرار داده است و می نویسد: «تعبیر پایان انقلاب در بعضی محافل سیاسی نگرانی ها و واکنشهایی را برانگیخت. پاره ای با این پرسش ها دست در گریبانند که آیا براستی انقلاب پایان یافته است. آنهم نه الان بلکه سالها پیش؟ در این صورت حاصل آنهمه تلاش و فداکاری چه می شود؟ نه مگر آرمانها، ارزشها و اهدافی که انقلاب به خاطر آن صورت گرفت هنوز پابرجاست، پس چگونه ممکن است انقلاب پایان یافته باشد؟ آیا اعلام پایان انقلاب، اظهار پشیمانی از آغاز انقلاب نیست؟ ابهاماتی از این دست می تواند فضای سیاسی کشور را دچار التهاب کند... انقلاب، خودداری از برسمیت شناختن قوانین و قواعد یک نظم پایدار و تلاش برای جایگزینی آن است. روشن است هنگامی که مشروعیت قوانین یک نظام به طور کلی مورد انکار قرار گیرد، تلاش برای جایگزینی آن در قالب خشونت و حرکت های شورشگرانه شکل می گیرد. انقلاب، مجموعه ای از حرکت های مستقیم، کوتاه، سریع و خودجوش است که درپی ویران کردن ستونهای نظم قدیم و طرح چشم انداز نظم جدید است... بنابراین کسانی که از تداوم، تداوم ارزشها را در نظر دارند و کسانی که از پایان انقلاب، پایان روشها را منظور کرده اند، نزاعشان محصول سوء تفاهم است. چون به دو زبان خواهان یک چیزند. روی سخن با کسانی است که گمان دارند هنوز هم می توان، و یا می باید، هم در ارزش و هم در روش انقلابی بود. این مدعا دچار یک تناقض صریح است، چون انقلاب یعنی دور زدن نظم موجود و این یعنی شورش در برابر نظام؛ نظامی که آنان به دنبال محافظت آن هستند. مگر اینکه طرفداران این عقیده مدعی باشند که ما بیست سال پس از رأی به جمهوری و تصویب قانون اساسی هنوز با انقلاب اسلامی روبروییم نه با جمهوری اسلامی. یعنی هنوز در حال بحران میان دونظم بسر می بریم و نظام جدیدی تحقق نیافته است. آیا کسی حاضر است تبعات چنین مدعایی را بپذیرید؟».

میزگرد دانشگاه تهران در مورد عملکرد دولت خاتمی

بر اساس گزارش روزنامهٔ «سلام»، دوشنبه ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۷، میزگرد «بررسی عملکرد دولت خاتمی» در دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این میزگرد، عباس عبدی، عضو شورای سردبیری روزنامهٔ سلام، علی ربیعی از روزنامهٔ «کار و کارگر»، حمید رضا جلایی پور از روزنامهٔ «جامعه» و علیرضا شمیرانی از روزنامهٔ «فردا» شرکت داشتند. جلالی پور، مدیر مسؤل جامعه در زمینه دوم خرداد ماه گفت: «آقای خاتمی یکی از اشخاصی بود که در متن تحولی که در گفتمان سیاسی که در کشور وجود داشت، قرار گرفت و در واقع سخنگوی این جریان شد. پشتوانه خاتمی به لحاظ فکری ایدئولوژی کثرت گرا بود که در شخصیت ایشان جا افتاده بود...». شمیرانی سردبیر روزنامه «فردا» نیز در تحلیل دوم خرداد گفت: «۶۷ درصد رأی به خاتمی حکایت از آن دارد که کل کشور به یک نتیجه رسیده بود که ناظر به یک واقعیت است. در بسیاری از شهرها و روستاهای دور افتاده بحث ها و شعارهایی چون پلورالیسم جامعه مدنی، کثرت گرایی مطرح نبود و اصلاً به گوش آنها هم نخورده بود و یا در جنوب تهران که همیشه به شکل سنتی پشت سر جامعه روحانیت مبارز بود، خاتمی رأی بالایی آورد. در حقیقت این حرکت مردم این پیام را در برداشت که آنها دیگر از ادامه وضع موجود خسته شده اند... مردم در اعتراض به وضع موجود رأی دادند زیرا که خاتمی به عنوان نماد تغییر و ناطق نوری نماد دفاع از وضع موجود...».

ربیعی، مدیر مسؤل روزنامه «کار و کارگر» نیز در همین مورد از جمله گفت: «دوم خرداد نتیجه تغییرات ساختاری بود که در جمعیت کشور رخ داد. هفتاد درصد جمعیت ما زیر سی سال است. تحولات ساختاری جمعیت باضافهٔ «نه» به روشهای غلط تبلیغاتی جناح رقیب حماسه دوم خرداد را بوجود آورد... ما اگر نفهمیم و خاتمی را در چالش مدنیت و ولایت بکشانیم، چند سال دیگر ضربه عظیمی خواهیم خورد...»

عباس عبدی، نیز در سخنانی دربارهٔ دوم خرداد گفت: «دوم خرداد ثمرهٔ کشتی است که محصولش را همه ملت ایران استفاده می کند... اهمیت دوم خرداد غیر منتظره بودن آن است و این حماسه همیشه در ذهن و تاریخ این مرزوبوم خواهد بود... دوم خرداد در واقع پاسخی به حل مشروعیت قدرت بود...»

«حزب کارگزاران سازندگی ایران» اجازهٔ فعالیت گرفت

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، «حزب کارگزاران سازندگی ایران»، از وزارت کشور اجازهٔ فعالیت گرفته است. در اعلامیهٔ اعلام موجودیت این حزب از جمله آمده است: «ما کارگزاران سازندگی ایران با شعار محوری عزت اسلامی، تدوام سازندگی، آبادانی ایران» دست تمام اقشار ملت بخصوص جوانان رشید و توانایی را که آینده سازان و مدیران خلاق آتی کشورند بگرمی می فشاریم...»

بر اساس همین بیانیه کارگزاران «با تأکید بر دو شاخصه نیرومند و موثر «اسلامیت» و «جمهوریت» این نظام مقدس و برای تحقق اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بویژه در جهت ایجاد بستر مناسب برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش...» فعالیت خواهند کرد.

بر اساس همین گزارش ها، اعضای موسس این حزب از جمله شامل: «مصطفی هاشمی طبا»، رییس سازمان تربیت بدنی، «محسن نوربخش»، رییس بانک مرکزی، «امراللهی»، رییس سابق سازمان انرژی اتمی، «محمد علی نجفی»، رییس سازمان برنامه و بودجه کشور، «غلامحسین کرباسچی»، شهردار تهران، «عطاالله مهاجرانی»، وزیر ارشاد اسلامی، «محمد هاشمی»، معاون اجرایی رییس جمهوری، «فائزه هاشمی»، نماینده مجلس شورای اسلامی، «علی هاشمی»، معاون وزیر نفت، و «حسین مرعشی»، نماینده مردم کرمان در مجلس شورای، می باشند.

قهرمانی فروتن از تبار کارگران
یادی از رفیق شهید حسن جلالی

یکی از چهره های برجستهٔ جنبش کارگری و سندیکایی میهن ما، در دوران پس از انقلاب شکوهمند بهمن، رفیق شهید حسن جلالی کارگر چاپخانه ، نماینده کارگران، و عضو هیأت مدیرهٔ انجمن همبستگی شوراها و سندیکاهای کارگری تهران و حومه است. متاسفانه، نام و نقش ارزنده او در جنبش کارگری، و نیز در حزب توده ایران، آنچنانکه شایسته و سزاوار این مبارز نستوه است، یاد نشده است. رفیق حسن جلالی پس از پیروزی انقلاب، از جمله فعالان برجسته جنبش کارگری بود که نقش بسیار موثر و انکار ناپذیری در راه ایجاد تشکل های مستقل کارگری ایفا و در این راه مصائب و سختی های فراوانی را تحمل کرد. وی در سازماندهی ، تشکیل و سپس فعالیت به یاد ماندنی انجمن همبستگی شوراها و سندیکاهای کارگری تهران و حومه، که به مثابه مرکز مستقل سندیکایی عمل می کرد، یک چهره شاخص و فوق العاده موثر بود.

رفیق حسن جلالی، در میان کارگران، بویژه کارگران چاپخانه های تهران از احترام و اعتبار زیادی برخوردار بود. او همواره در دفاع از منافع صنفی - سیاسی کارگران پیشگام بود و در این راه آنچنان صادقانه و با تمام نیرو فعالیت می کرد که نماینده مسلم و بی چون و چرای کارگران قلمداد می شد. یکی از ویژگی های نمایان این فرزند گرامی حزب ما، صداقت، شرافت اخلاقی و اجتماعی وی بود که همگان بدآن اقرار می کردند. او علاوه بر نقش اساسی در جنبش کارگری و سندیکایی و فعالیت پر ثمر در شوراها و سندیکاهای کارگری، یکی از برجسته ترین کادرهای وقت حزب نیز محسوب می شد.

ویژگی های سیاسی و اخلاقی رفیق جلالی آنچنان بود که در دوران دشوار فعالیت پس از انقلاب، با نظر و صلاحدید کمیته مرکزی، رفیق حسن جلالی در کنار رفیق شهید محمد پور هرمزان، جزو مسئولین اصلی شعبه انتشارات حزب توده ایران شد. وظایف خطیر و سنگین رفیق حسن با توجه به نقش ویژه شعبه انتشارات در معرفی سیاست هاو اهداف حزب ما در آن دوران، فوق العاده حساس بود ،و او با سربلندی و خلاقیت در خور تحسین، این وظایف را انجام می داد.

رفیق حسن جلالی از جمله زندانیان سیاسی مبارز و سرشناس دوران شاه بود که در اواخر شهریور ماه سال ۱۳۶۱، یعنی چند ماه پیش از یورش اولیه به صفوف حزب توده ایران، توسط دادستانی انقلاب اسلامی مرکز که ریاست آن با لاجوردی جلاد بود، دستگیر شد. او را از همان نخستین روزها در زندان اوین، زیر شکنجه های وحشیانه بردند. اما این قهرمان نامدار کارگران از خود مقاومتی بی نظیرنشان داد.

به جرائت می توان گفت که رفیق حسن جلالی از برجسته ترین قهرمانان شکنجه گاه های رژیم «ولایت فقیه» بود. او آنچنان مقاومتی در برابر شکنجه گران از خود نشان داد که در میان کلیه زندانیان سیاسی سال های ۱۳۶۷-۱۳۶۱ از محبوبیت و احترام عمیق برخوردار شد. در سال ۱۳۶۵، هنگامی که در سالن ۳ زندان اوین، درهای اتاق ها را گشودند و بند، تبدیل به بند عمومی شد، زندانیان سیاسی با تعلقات سازمانی گوناگون، به اتفاق نظر رفیق حسن جلالی را بعنوان نماینده خود انتخاب و معرفی کردند. وی بیش از ۴ سال از ۷ سال دوران بازداشت خود را در سلول های انفرادی با بدترین شرایط گذراند.

دفاعیات درخشان و قاطع او از حزب، کارگران و مارکسیسم، از زمره برگ های افتخار آفرین تاریخ حزب و جنبش مترقی مردم ایران به حساب می آید. در تابستان سال ۱۳۶۷، در جریان فاجعه ملی، با آنکه جزو ملی کش ها (زندانیانی که دوران محکومیت شان پایان یافته، اما آزاد نمی شوند) بود. توسط گروه سه نفره بدلیل عدم انزجار و تنفر، و دفاع پرشور از حزب توده ایران، محکوم و اعدام گردید. با شهادت رفیق حسن جلالی، جنبش کارگری و سندیکایی ایران یکی از چهره های درخشان و فرزندان شجاع و قهرمان خود را از دست داد.

نام او در کنار نام هایی چون علی امید، مرتضی حجازی، باقری، معلم، زارع، محمد تنها، شرقی، شناسایی، ابراهیم زاده و دیران همچون چهره ای برجسته و ارجمند در جنبش مردمی ثبت است. طبقه کارگر و حزب توده ایران، به قهرمانان فداکاری همچون حسن جلالی افتخار می کنند.

گزارشی از برگزاری مراسم سالروز دوم خرداد ماه در دانشگاه تهران

«ده ها هزار تن، از جوانان، زنان، دانشجویان و مردم تهران از اولین ساعات روز شنبه در گروه های کوچک و بزرگ به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند. دفتر تحکیم وحدت مراسمی را در میدان ولی عصر تهران ترتیب داده بود که سخنرانان این گردهمایی ضمن تجلیل از دوم خرداد متذکر شدند که رخداد دوم خرداد نیاز به تحلیل جامعه شناسانه دارد. راهپیمایان سپس از میدان ولی عصر به سوی دانشگاه حرکت کردند. اکثر مردم با شعارهای «جامعه مدنی ایجاد باید گردد، سیاست خاتمی اجرا باید گردد»، خواهان تحقق قول های انتخاباتی بودند. راهپیمایان که اکثراً شاخه های گل سرخ در دست داشتند دسته دسته وارد دانشگاه تهران می شدند. در حالی که صف جلوی تظاهر کنندگان وارد دانشگاه تهران شده بود، انتهای صف هنوز در تقاطع ولی عصر و خیابان طالقانی بود.

خاتمی در سخنرانی خود در مورد دوم خرداد ماه از جمله گفت: «خود من کمترین سخن را در مورد دوم خرداد گفته ام. تحلیل های مختلف عیبی ندارد به شرطی اینکه اولاً هیچکس سخن و تحلیل خود را مطلق نکند و سخن مخالف را نیز برتابد. ثانیاً تحلیل های گوناگون خوب است بشرط آنکه صاحب اصلی دوم خرداد یعنی مردم مورد غلفت قرار نگیرند. مردمی که نه تنها صاحب دوم خرداد که صاحب کشور و انقلاب هستند...».

در میان شعارهای دفاع از خاتمی و وزیر کشور، شعارهایی نیز علیه نیروهای ارتجاعی داده می شد که مهمترین آنها این بود: «صدا و سیما، اصلاح باید گردد! نیروی انتظامی، اصلاح باید گردد، یزدی استعفا، استعفا ! مرگ بر انحصار، مرگ بر آمریکا!». خاتمی در برخورد به شعار های ضد رژیم و از جمله تقاضای برکناری یزدی گفت: «از آنجا که جامعه به ثبات، همدلی و محبت بیشتر احتیاج دارد، از دادن شعارهای منفی خودداری کنید».

درضلع شرقی صحن دانشگاه، عده ای سرود «ای ایران» را می خواندند،و عده ای در گوشه ای دیگر شعار می دادند: رییس جمهور ما، امام جمعه ما.

خاتمی در بخش دیگری از سخنانش اشاره کرد که: «حتی قانون شکنان نیز امروز عمل خود را قانونی توجیه می کنند و این دستاورد بزرگ دوم خرداد است. اندیشه را نمی توان از بین برد و یا با فرمان و بخشنامه آنرا محدود کرد ولی می توان جلوی ابراز اندیشه را گرفت... مردم حق دارند در چارچوب قانون، آزادی های خود را از دولت بخواهند... به صراحت می گویم که سرنوشت و وجهه اجتماعی دین در امروز و فردا در گروی این است که طوری دین را ببینیم که با آزادی سازگار باشد. شما به تاریخ بشر مراجعه کنید هرچه که با آزادی مقابل شده است، دین لطمه خورده است. توسعه اگر در مقابل آزادی قرار گرفته است، سازندگی لطمه خورده است. تجربهٔ قرون وسطی که دین و آزادی در مقابل هم قرار گرفته است و به شکست دین منجر شده نمونه دیگری از این تقابل است . در دنیای کمونیست، عدالت اقتصادی در مقابل آزادی قرار گرفت و منجر به شکست عدالت شد، گرچه مردم به آزادی هم نرسیدند... واقعیت های موجود نشان می دهد که حتماً آزادی ها در کشور رعایت موازین اسلامی را بکند زیرا اکثریت مردم ما مسلمانند و به نظام اسلامی رأی دادند و حول محور رهبری، نهادها و ارگانهای دیگر شکل می گیرند...»

در پایان مراسم گروه کثیری از دانشجویان که هنگام بازگشت از دانشگاه هنوز شعار می دادند، در تقاطع بولوار کشاورز و خیابان امیرآباد توسط نیروهای انتظامی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. نیروهای انتظامی با کلاه خود و باتوم به دانشجویان حمله بردند و پس از مجروح کردن شماری از آنان، تعدادی از دانشجویان را نیز دستگیر و با خود بردند.»

آزادی برای همهٔ زندانیان سیاسی ایران !

ادامهٔ جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا...

مقامات جمهوری اسلامی، لامبرتودینی، وزیر خارجه ایتالیا، از ایران دیدار کرد، و با سفر او بحران ۱۱ ماهه در روابط کشورهای عضو اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی پایان یافت. وزیر خارجه ایتالیا، هدف از سفر خود به تهران را در گفتگو با خبرنگاران، چنین بیان داشت: «من برای تعقیب گفتگو بین ایران و اروپا و با این امید که سایر وزرای خارجه اروپا برای توسعه این گفتگوها به تهران خواهند آمد، اینجا هستم.» کمال خرازی، وزیر خارجه رژیم، نیز به نوبه خود با ابراز خشنودی از سفر لامبرتودینی و آغاز گفتگو با اتحادیه اروپا، خاطر نشان ساخت: «...این اولین دیدار یک وزیر اروپایی از تهران پس از عادی سازی روابط است» وی همچنین افزود: «جمهوری اسلامی برای همکاری با کشورهای اروپایی برای حل و فصل مسایل منطقه ای و جهانی کاملا آماده است...دوران انتقاد از یکدیگر سپری شده و زمان مشارکت فرارسیده است...»

به دنبال لغو ممنوعیت دیدار بین وزرای کشورهای اروپا و جمهوری اسلامی، علاوه بر سفر وزیر خارجه ایتالیا به تهران، مقامات و مسئولین دیگر کشورهای اروپایی نیز بر ضرورت عادی سازی و گفتگو با جمهوری اسلامی، ضمن وارد آوردن فشار به آن تاکید کردند. کلاوس کینکل، وزیر خارجه آلمان، در این باره یاد آور شد: «از گسترش روابط بین دو کشور (آلمان و ایران) خشنودیم. ما روابط سنتی خوبی با این کشور داریم...» مقامات و مسئولین رژیم «ولایت فقیه» نیز از فرصت پیش آمده، یعنی آغاز گفتگوها با اتحادیه اروپا بزعم خود حداکثر استفاده را کردند. از سرگیری روابط با کشورهای اروپا با تبلیغات پر سر و صدا وهدفمند در داخل ایران توام بود. مطبوعات مجاز و مسئولین ریز و درشت رژیم، هر یک بنوعی از اینکه سیاست «اصولی» جمهوری اسلامی، اتحادیه اروپا را وادار به «عقب نشینی» کرده، دم زدند. بی شک پایان یافتن بحران بین کشورهای اروپایی و رژیم اسلامی، که پیامد محکومیت سران رژیم «ولایت فقیه» در دادگاه برلین به دلیل ترور دگراندیشان در خارج از کشور بود، موفقیت نسبی برای رژیم بحران زده و منزوی جمهوری اسلامی محسوب می شود. ولی این موفقیت پیش از آنکه بدلیل «اقتدار» جمهوری اسلامی باشد، نشانگر عدم پایبندی سران کشورهای اروپایی به موازین حقوق انسانی است. این کشورها که زیر فشار افکار عمومی داخلی خود، و انزجار عمومی مردم از جنایات مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ، ناچار شدند گام های اندکی را در زمینه محدود کردن روابط با ایران بردارند، از همان آغاز دنبال راه هایی برای خاتمه دادن به این حرکت و بازگرداندن اوضاع به حال سابق بودند. برای کشورهای امپریالیستی، منافع ملی، حقوق بشر و «حقانیت» رژیم ضد مردمی «ولایت فقیه» مطرح نیست، از دید دولت های این کشورها و سرمایه داری انحصاری، که این دولت ها نمایندهٔ آن هستند، تنها یک هدف و اصل مهم است: ایجاد امکان غارت بیش از پیش منابع ملی کشورهای در حال توسعه از جمله میهن ما. بر خلاف ادعاهای مسخره سران رژیم پیرامون «اقتدار» حکومت ایران در عمده ترین عرصه های روابط خارجی، از جمله رابطه با کشورهای عضو اتحادیه اروپا و نیز در تنظیم چگونگی سطح و ژرفای این روابط، به هیچ عنوان ابتکار با جمهوری اسلامی نیست. جمهوری اسلامی، از یک سو، بدلیل انزوای شدید بین المللی، و از سوی دیگر بدلیل بحران اقتصادی عمیق و روبه تشدیدی که با آن روبرو است، و همچنین فشار افکار عمومی در داخل برای خروج از انزوا، تلاش می کند تا مرتباً دم از توسعه روابط اقتصادی بزند، و مهم، اینکه چگونگی و ماهیت این روابط را مسکوت و پنهان نگاه دارد. تجربه نزدیک به دو دهه نشان می دهد که رژیم «ولایت فقیه» بنا به سرشت واپس مانده خود در روابط خارجی، آنجا که پای منافع ملی و حقوق حقه مردم میهن ما در میان است. نقش مخرب داشته و بسیار زیانبارعمل کرده است، و در عمل اثبات کرده است که توانایی حفظ و تامین منافع ملی را ندارد.

برای پی بردن به این امر، بجاست در مورد حجم معاملات بازرگانی و همچنین چگونگی روابط اقتصادی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی توجه و دقت شود. آخرین آمار اقتصادی معتبر در زمینه روابط اقتصادی- بازرگانی میان رژیم ولایت فقیه و اتحادیه اروپا وژاپن، بر خلاف ادعاهای مضحک مسئولین رژیم، نه از اقتدار جمهوری اسلامی که از توانایی و اقتدار اتحادیه اروپا ،حکایت می کند.

آمار نشان می دهد که کشورهای غربی و صنعتی چه منافع سرشاری را بدلیل تحمیل «اقتدار» خود به رژیم ولایت فقیه در زمینه اقتصادی کسب می کنند! چندی پیش، هفته نامه «مید» چاپ لندن، آخرین آمار و ارقام مربوط به روابط اقتصادی - بازرگانی جمهوری اسلامی با کشور های اروپا را منتشر کرد. این آمار ژرفای وابستگی رژیم را به غرب و نیاز مبرم آن را به ارتقاء روابط نشان می دهد. هفته نامه مید گزارش می دهد که کشورهای غربی و صنعتی در ۹ ماه نخست سال ۱۹۹۷ میلادی (۱۲ دی ماه ۱۳۷۵ تا ۸ مهر ماه ۱۳۷۶ خورشیدی)، صادرات خود به ایران را نسبت به مدت مشابه قبل، بیش از ۳۰ درصد افزایش داده اند. صادرات شرکای عمده بازرگانی جمهوری اسلامی در اروپا، یعنی آلمان، ایتالیا، فرانسه و انگلستان به ایران افزایش قابل توجه یافته، و در عوض واردات شان از ایران کاهش جدی یافته است!

بر پایه آمار منتشره، در حالی که صادرات آلمان به ایران، در فاصله دی ماه ۱۳۷۵ تا مهر ماه ۱۳۷۶ خورشیدی، با ۳۹ درصد افزایش به بیش از ۱ میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلار رسید، واردات آلمان از ایران فقط ۵۴۱ میلیون دلار بود. کسری تراز بازرگانی ایران و آلمان در سال مذکور ۷۷۹ میلیون دلار افزایش پیدا کرده است.در همین فاصله زمانی ۹ ماهه صادرات ایتالیا به ایران ۳۸ درصد رشد داشته، و در برابر آن واردات ایتالیا از ایران ۱۴ درصد کاهش یافته. صادرات ایتالیا بالغ بر ۸۰۰ میلیون دلار بوده است. صادرات فرانسه به ایران ۲۰ درصد افزایش نشان می دهد و به بیش از ۵۲۰ میلیون دلار می رسد. صادرات ایران به فرانسه ۲۰ درصد کاهش یافته. مازاد بازرگانی فرانسه با ایران بالغ بر ۱۴۷ میلیون دلار است. همچنین انگلستان در این مدت بیش از ۵ درصد بر صادرات خود به ایران افزوده. کسری تراز بازرگانی با انگلستان، به زیان ایران، بالغ بر ۴۵۵ میلیون دلار است. طبق گزارش فوق الذکر، مجموع واردات جمهوری اسلامی در سال ۱۹۹۷ میلادی معادل ۱۵ میلیارد دلار برآورد شده است که پیش بینی می شود در سال ۱۹۹۸ میلادی به ۱۶ میلیارد دلار برسد، یعنی در سال کنونی باز هم ایران در عرصه بازرگانی و اقتصادی بیشتر به غرب وابسته می شود.

درست بر پایه این واقعیت ها، و چنین پشتوانه نیرومند اقتصادی است که اتحادیه اروپا از موضع قدرت با رژیم «ولایت فقیه» روبرو می شود و لامبر تودینی، وزیر خارجه ایتالیا، در سفر اخیر خود به تهران از گسترش هر چه بیشتر روابط اقتصادی سخن به میان می آورد. در جریان سفر وزیر خارجه ایتالیا به ایران، وی دیداری نیز باجهانگیری، وزیر معادن و فلزات رژیم، داشت. وزیر خارجه ایتالیا در این دیدار از جمله تاکید کرد: «ما برای تحکیم و تعمیق این روابط اعتبار خاص قائلیم. دولت ایتالیا از سرمایه گذاری های شرکت های ایتالیایی، بویژه مشارکت با بخش خصوصی ایران و کمک به گسترش صنایع کوچک و متوسط، حمایت می کند...سرمایه گذاری در این زمینه یعنی منابع انرژی زا وزیر زمینی نقش اساسی دارد..».

همچنین در این سفر، یادداشت تفاهمی میان جمهوری اسلامی و ایتالیا به امضاء رسید که افزایش مبادلات بازرگانی محور آن محسوب می گردد. سخنان معاون مرکز توسعه صادرات جمهوری اسلامی، در مراسم امضاء یادداشت تفاهم نامه، جالب و بسیار گویاست و پرده از واقعیت روابط موجود بر می دارد. این مقام جمهوری اسلامی آشکارا اعلام داشت: «در ۹ ماه اول سال ۱۳۷۶ خورشیدی، ایران و ایتالیا، ۱ میلیارد و ۲۴۰ میلیون دلار کالا مبادله کرده اند. صادرات ایران به ایتالیا در مقایسه با سال قبل ۱۴ درصد کاهش داشته، ولی صادرات ایتالیا به ایران افزایش بسیاری پیدا کرده است. اتحادیه اروپا برای وارادات مواد غذایی از ایران، مانع ایجاد می کند، از عمده ترین آنها، جلوگیری از عبور برخی کامیون های ایرانی، و اخذ عوارض از آنهاست. محدویت ورود برخی مواد غذایی و مواد اولیه از ایران، بویژه کشمش، و تبلیغات سوء ضد برخی کالاهای ایرانی، مانند پسته، کماکان ادامه دارد. امیدواریم کشورهای اتحادیه اروپا، موانع غیر تعرفه ای از صادرات مواد غذایی ایران بویژه دریافت گواهی پزشکی را حذف کنند...».

روشن تر و صریح تر از این نمی توان واقعیت این روابط و چگونگی آنرا توضیح داد. اتحادیه اروپا در حالی چنین رفتار سختگیرانه را نسبت به صادرات ایران دارد که، رژیم «ولایت فقیه» دروازه های کشور را به روی کالاهای غربی گشوده است، و از این بابت تولید ملی و صنایع داخلی و نیز بخش کشاورزی، خسارات جدی و اساسی دیده اند و در سراشیب سقوط قرار دارند. نباید فراموش کرد که بر اثر تصمیم سیاسی اتحادیه اروپا مبنی بر ممنوعیت ورود پسته ایران به بازارهای اروپا، صادرات پسته ایران نسبت به سال قبل با ۷۰ درصد کاهش روبرو شده است. در اثر چنین

ادامه در صفحه ۵

ایجاد تشکل های صنفی مستقل کارگری از مهمترین خواست های مطالباتی جنبش کارگری در شرایط کنونی است!

سخنرانی نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در سمینار نروژ

به ابتکار فرهنگ سرای ایران در نروژ، سمینار دو روزه ای در تاریخ ۲۹ و ۳۰ فروردین (۱۸ و ۱۹ آوریل)، با عنوان «وضعیت سیاسی ایران بعد از انتخابات ۲ خرداد، چشم انداز سیاسی ایران و وظایف کنونی نیروهای اپوزیسیون»، در محل دانشکدهٔ علوم اجتماعی شهر اسلو، پایتخت نروژ، برگزار شد. در این سمینار، نمایندگان حزب تودهٔ ایران، سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، سازمان اتحاد فداییان خلق ایران، و نیز حزب کمونیست کارگری شرکت داشتند. نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران در این سمینار، به تشریح مواضع حزب پیرامون مسایل کنونی و وظایف نیروهای مترقی پرداخت، و از جمله یادآور شد: «حزب ما معتقد است، دیکتاتوری مذهبی قرون وسطایی زیر پوشش «ولایت فقیه»، سد اساسی برون رفت جامعه از بحران ساختاری کنونی است. حزب تودهٔ ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که مسألهٔ مبارزه با رژیم «ولایت فقیه» و طرد آنرا به عنوان حلقهٔ اساسی مبارزه در اوضاع کنونی، بیش از ۷ سال پیش مطرح کرد...».

وی ضمن تحلیل موضع حزب از رخداد دوم خرداد، با اشاره به اعلامیهٔ کیمتهٔ مرکزی حزب در تاریخ ۵ خرداد ماه ۱۳۷۶، تأکید کرد: «حزب ما در اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی، حضور مردم در انتخابات ریاست جمهوری را همچون یک رفراندوم، علیه ادامه استبداد و رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرده است. حزب تودهٔ ایران توهمی در مورد ماهیت ضد دموکراتیک انتخابات نداشت و با قاطعیت اعلام کرده است که در چارچوب ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه» تحقق جامعه مدنی، استقرار آزادی و عدالت اجتماعی ممکن نیست...».

نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی در بخش دیگری از سخنانش پیرامون اوضاع کنونی، و نیز در تشریح شعار محوری حزب، یعنی طرد رژیم «ولایت فقیه»، از جمله اضافه کرد: «حزب ما عمیقاً معتقد است که در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» امکان تحول پایدار و بنیادین وجود ندارد، و لذا حزب ما اعتقادی به رفرم پذیری حاکمیت جمهوری اسلامی ندارد. ما تأکید کرده ایم که با تجهیز نیرو در درون جامعه و ایجاد یک جنبش وسیع توده ای و پیوند مبارزات پراکندهٔ کارگری، زنان، دانشجویان و جوانان، می توان ارتجاع حاکم را گام به گام به عقب نشینی واداشت. حزب تودهٔ ایران تأکید می کند که بسیج نیرو در درون جامعه، حلقهٔ اساسی مبارزه ای است که در اوضاع کنونی جریان دارد. ما در ضمن تکیه به نیروی مردمی و سازماندهی این نیرو، باید از شکاف در درون جناح ها و از تشدید رویارویی درون حکومت به سود پیشبرد مبارزهٔ مردمی سود جوییم. در بارهٔ شعار طرد «ولایت فقیه»، مفهوم طرد کاملاً روشن است، یعنی جدا کردن دین از حکومت و زدودن تمامی آثار این رژیم. ما در این زمینه قبلاً گفته ایم اگر اصلی از بین برود طبعاً تمام آثار آن نیز باید زدوده شود. طرد رژیم «ولایت فقیه»، در معنای جدا کردن دین از حکومت، فقط از طریق تغییر قانون اساسی، زیر نظر یک دولت ائتلاف ملی با حضور نمایندگان همه احزاب و سازمان های سیاسی مترقی و دموکراتیک ا،مکان پذیر است...»

نمایندهٔ کمیتهٔ مرکزی در پایان به تفصیل دربارهٔ ضرورت تشکیل جبهه ای از تمامی نیروهای مترقی و تحول طلب توضیحاتی داد، و پیشنهاد حزب تودهٔ ایران برای تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری را تشریح کرد. در پایان سمینار جلسه پرسش و پاسخ با حضور نمایندگان احزاب و حضار برگزار گردید.

ادامهٔ جمهوری اسلامی و اتحادیه اروپا...

سیاستی از سوی اتحادیه اروپا، به منافع ملی ایران آسیب وارد آمد، و در ضمن هزاران خانواده دهقان ایرانی و تولید کنندگان کوچک و متوسط خسارت دیده وورشکست شدند! موضع گیری اتحادیه اروپا پیرامون ممنوعیت ورود پسته ایران و کاهش چشمگیر صادرات آن به میزان ۷۰ درصد، همزمان با افزایش صادرات کشورهای اروپایی به ایران بوده است. آیا معنای «اقتدار» در روابط خارجی در رژیم واپس مانده ولایت فقیه اینست؟!! کوتاه سخن، از سرگیری روابط با اتحادیه اروپا و سفر وزیر خارجه ایتالیا به تهران نه نشانه «اقتدار» و «حقانیت» رژیم ولایت فقیه ست و نه نشانه روابط عادلانه و متقابلا سودمند. این روابط حتی برخلاف ادعای کمال خرازی آغاز «دوران مشارکت» نیز نمی باشد. عملکرد رژیم ولایت فقیه ثابت می کند، جمهوری اسلامی در عرصه روابط خارجی، منافع ملی ایران، را فدای حفظ و تداوم حاکمیت ارتجاعی خود می کند. این رژیم ضد ملی با حقوق مردم و حاکمیت و سربلندی ایران بیگانه است.

سمبل دو دهه جنایت و خیانت
(نامهٔ رسیده)

«آن بعد از ظهر، زیباترین و بهترین روز زندگی ام بود. می دانم و مطمئنم که «این» تنها، احساس من نبود، که در چهارسوی این کره خاکی، هر جا که زندان کشیده ای ایرانی زندگی می کند، این شعف بی نظیر را حس و لمس کرده است. به کتابخانه شهر رفتم و طبق معمول روزنامه ای گرفته و در گوشه ای مشغول به مطالعه شدم، تیترها از برابر دیدگانم رژه می رفتند که چشمم به خبری مختصر افتاد. نه! اشتباه نمی کنم؟ متن نوشته را به سرعت خواندم. آری، حقیقت داشت. جلاد اوین «لاجوردی» معروف به خفاش! از کار برکنار شده بود. در آن لحظات شاید هرکس دیگری آن خبر را می خواند بلافاصله این موضوع به ذهنش خطور می کرد که چه فایده! پست بالاتری به او می دهند. در جای دیگری از آن سیستم جهنمی به کارش می گیرند و شاید دژخیم دیگری همانند او را برجایش می نشانند. اما من به هیچکدام از اینها نمی اندیشیدم؛ اشک در چشمانم حلقه زده بود. دستم می لرزید و بغض گلویم را می فشرد. تصاویر مبهم و درهمی به سرعت بر صفحه ذهنم ظاهر شده و محو می شد. چهره احمد مکارم که به خاطر یک اعلامیه تیرباران شد. فریادهای اشرف خلج که در بند ۲۰۹ به خاطر پافشاری بر عقایدش به خوف کشیده شد. سیمای هجده ساله بابک بیات که به خاطر تف کردن به چهره آیت الله گیلانی در بیدادگاه، به سه بار اعدام محکوم شد. سیمای محمد و اکبر و حسین تهرانی که بدون حتی یک خط بازجویی زیر شکنجه مرگ را پذیرا شدند و صدها و هزاران انسان شرافتمند و مردم دوست وآرمان گرای دیگر که بی هیچ گناهی بردار شدند...

«اسداله لاجوردی، مجید قدوسی و بسیار کفتارها و خفاش های خون آشام دیگر، تنها یک نام را یدک نمی کشند، اینان! برای آنان که مغزی برای اندیشیدن دارند و قلبی برای تپیدن، سمبل تمام عیار و کامل سقوط انسان در قعر لجنزار رذالت و پستی، حقارت و خیانت و جنایت و همه مظاهر بربریت و زشتکاری اهریمنی هستند. اینان نمایندگان تحجر و واپسگرایی، آزادی کشی، دشمنی با عدالت و عدالتخواهی و هرچه خصیصه انسانی است، می باشند. امروز جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر در معرض وزش طوفان اعتراض و عصیان توده ها قرار دارد: رژیم مذبوحانه تلاش می نماید تا با کنار گذاردن این چهره های منحوس، یاد و خاطره دو دهه خیانت به آرمان های مردم را از اذهان بزداید، غافل از اینکه تاریخ هیچگاه رذالت را نخواهد بخشود و دیر نیست روزی که فرزندان ایران آزاد و دموکراتیک سخت ترین انتقام را از این جنایتکاران بگیرند...»

ادامهٔ اعلامیهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران پیرامون ...

می بایست در واقع به مثابهٔ رفراندومی علیه ادامهٔ استبداد و رژیم «ولایت فقیه» ارزیابی کرد.» («نامهٔ مردم ۵۰۷، ۱۳ خردادماه ۱۳۷۶).

نکتهٔ مهم دیگر آنکه، در اوضاعی که در ایران، و در میان بسیاری از گروه های سیاسی کشور، این خوش بینی پدید آمده بود که با پیروزی در انتخابات، و شکست سنگین مدافعان «ولایت مطلقه فقیه»، تغییرات اساسی در اوضاع سیاسی - اقتصادی کشور ممکن گردیده است، ما بر این نکته پای فشردیم که: *«آنچه از هم اکنون روشن است، این حقیقت است که رهبری رژیم «ولایت فقیه» علیرغم خواست عظیم توده ها به انجام تغییرات دموکراتیک، مصمم است به سیاست های خود ادامه دهد و سد راه هرگونه تغییر اساسی در سمت و سوی حرکت جامعه ما باشد. پیام خامنه ای پس از انتخابات و سخنان رفسنجانی در مصاحبه با خبرنگاران خارجی و انکار خواست آشکار مردم برای تغییر سیاست های ضد مردمی، نشانگر این تمایل رژیم و سران آن است... با توجه به اینکه مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان، قوهٔ قضائیه، صاحبان ثروت های هنگفت غارت شده طی سال های پس از انقلاب، صاحبان اهرم های عمدهٔ اقتصادی، کلان سرمایه داری تجاری و بورژوازی دلال، روحانیت حاکم و در رأس آنان «ولی فقیه» نتیجهٔ این رأی گیری را به ضرر و در نفی خود می بینند، باید منتظر درگیری ها و برخوردهای حاد میان توده های عظیم رأی دهنده و مجموعه راست گرا و تاریک اندیش رژیم «ولایت فقیه» بود.»* (همانجا)

تجربه یک سال مبارزه برای تحقق شعارهایی چون آزادی، جامعه مدنی و عدالت اجتماعی، نشانگر صحت و دقت ارزیابی ما از روند رویدادها و اوضاع کشور است. مردم میهن ما در یک سال گذشته از نزدیک شاهد بوده اند که رژیم «ولایت فقیه» با استفاده از اهرم های کلیدی قدرت سیاسی، از جمله و خصوصاً نهاد «ولایت فقیه»، که بالای سر کلیه قوانین و نهاد های دولتی، قضایی و قانون گذاری کشور قرار دارد، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، و قوه قضائیه، تلاش های گسترده ای را در راه سد کردن هرگونه حرکت اساسی به سمت تحقق این شعارها سازماندهی کرده است. به خیابان آوردن گروه های چماق دار و چاقو کش انصار حزب الله برای یورش به حرکت های صنفی- مردمی، از جمله جنبش دانشجویی کشور، یورش به مطبوعات مستقل و نیمه مستقل، یورش به زنان، استفادهٔ وسیع از قوه قضائیه همچون دستگاه سرکوب دگراندیشان، و حتی نمایندگان سرشناس جناح طرفدار رییس جمهور، تصویب قوانین فوق العاده ارتجاعی مانند لایحه جدا سازی خدمات پزشکی، و قانون، منع استفاده تصویر زنان در مطبوعات، در مجلس شورای اسلامی و تهدید جنبش روبه رشد توده ها به سرکوب خشن، گردن زدن و زبان بریدن، از سوی فرمانده کل سپاه پاسداران، نمادهای روشنی از حرکات و اعمال طرفداران رژیم «ولایت فقیه» برای انتقام گیری از توده ها، به تحلیل بردن توان جنبش مردم و سرانجام خسته کردن و به شکست کشاندن این جنبش است.

هم میهنان گرامی،

حزب تودهٔ ایران، اکنون سال ها است که با بررسی اوضاع کشور، به این ارزیابی رسیده است که با ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه»، یعنی با ادامهٔ استبداد مطلق یک نفر به ضد منافع وخواست اکثریت قاطع مردم، نمی توان به تحقق تحولات بنیادین و پایدار در ایران امیدوار بود. در مناسباتی که بر اساس قانون اساسی، «ولی فقیه» حق دارد کلیه قوانین کشور، از جمله قانون اساسی را زیر پا بگذارد، و در اوضاعی که «ولی فقیه» نهادی بالا تر از تمامی نهادهای منتخب مردم است، نمی توان امیدوار بود که خواست توده ها برای تغییرات بنیادین مورد توجه حامیان استبداد واقع گردد. مدافعان «ولایت مطلقه فقیه» و «ذوب در ولایت» پنهان نمی کنند که به گمان آنان مشروعیت چنین رژیمی «الهی» است و به خواست و تمایل توده ها ارتباطی ندارد.

حرکت تاریخی دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، نشان داد که توده ها مصمم اند با استفاده از همه شیوه ها و ابزار های ممکن، مبارزه خود را در راه تحمیل خواست هایشان به رژیم ارتجاعی، تشدید کنند. سران رژیم هراسناک از عاقبت کار، در سال گذشته کارزار گسترده ای را برای حفظ «اعتبار» و «قداست» نهاد «ولایت فقیه» آغاز کرده اند، و تلاش می کنند تا کلیت «نظام» را از گزند حوادث و جنبش مردمی دور نگاه دارند.

تجربیات گوناگون تاریخی دور و نزدیک در میهن ما و جهان، نشان می دهد که جنبش مردمی توان آنرا دارد که بزرگترین سدها را از سر راه خود بردارد و ارتجاع و استبداد را به عقب نشینی وادار کند. امروز مردم ما و جهان می بینند که چگونه جنبش مردمی در اندونزی در مقابل رژیم استبدادی سوهارتو، دیکتاتور جنایتکار این کشور ۲۰۰ میلیونی را به استعفا و عقب نشینی واداشته است.

در میهن ما، جنبش عظیم توده ها در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷، توانست رژیم شاهنشاهی را با همه امکانات درهم بکوبد. جنبش مردمی در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، نیز نشان داد که صفوف منسجم و متحد توده ها توان آنرا دارد که ارادهٔ «ولی فقیه»، نهادهای سرکوبگر، و مدافعان ارتجاع و واپسگرایی را درهم شکند و خواست خود را به کرسی بنشاند. مردم ما در کورهٔ مبارزه یک سال گذشته تجربیات ارزنده ای را اندوخته اند. ده ها اعتصاب و حرکت های وسیع کارگری، جنبش روبه رشد دانشجویی و مبارزه وسیع زنان با ارتجاع در عرصه های گوناگون، نشانگر توان، عمق و گستردگی جنبش در اوضاع کنونی است. رژیم «ولایت فقیه» بخوبی از ابعاد گسترش یابنده حرکت تاریخی مردم ما آگاه است، و در عین حال آماده است تا همه امکانات سرکوبگرانه خود را برای حفظ «نظام» ضد مردمی بکار گیرد.

ما اعتقاد عمیق داریم که حرف آخر را در این مبارزه توده ها خواهند زد و نه رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» و طرفداران آن. کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران این پیروزی بزرگ را به شما مردم مبارز و آزاده ایران تبریک می گوید. توده ای ها در بیش از ۵۶ سال تاریخ سراسر بیکار خود در راه آرمان های والای مردم میهن ما، همواره در کنار مردم رزمیده اند و امروز نیز تمام توان خود را در این راه بکار خواهند گرفت.

ادامهٔ: پنجاه سال مبارزه مشترک ...

شجاعانه ای را ضد سیاست محروم شدن از زمین ها یشان، بر علیه تبعیض در همه عرصه ها، بر علیه تخریب خانه هایشان، بر علیه سربازگیری اجباری در جامعه عرب و برای بودجه های برابربرای شهرداری های عرب وبرای حفاظت از هو یت فرهنگی شان انجام داده اند. جمعیت عرب در اسرائیل برای سال ها نقش مهمی به عنوان یک نیروی دموکراتیک، در مبارزه بر علیه نژاد پرستی و برای صلح وبرابری، در همکاری نزدیک با نیروهای دموکراتیک کلیمی، ایفا کرده است.

در اوضاعی که متعا قب تاسیس اسرائیل بتدریج توسعه یافت، و جمعیت عرب تحت حاکمیت یک دولت نظامی سرکوبگر با هدف تصاحب بیشتر زمینهای آنان قرارگرفته بود، حزب کمونیست اسرائیل مشعل امیدی بود که در نور آن چهره وساختارها ی عمومی عرب شکل گرفتند. خصوصاً به دلیل ترکیب کلیمی- عرب آن، حزب کمونیست اسرائیل قادر بود که مبارزه اقلیت عرب فلسطینی برای برابری ملی و مدنی در اسرائیل، برای یک اسرائیل دموکراتیک واینکه آنرا همز مان با مبارزه برای صلح و برای شناسایی حق مردم فلسطین به داشتن یک کشور مستقل در مجاورت اسرائیل انجام دهد، هدا یت کند. در ۵۰ مین سالگرد تاسیس کشور اسرائیل، مردم عرب اسرائیل، بهمراه محافل دموکراتیک کلیمی، این حقیقت پریشان کننده را که نیم قرن از زمانی که اکثریت ساکنان فلسطینی مبدل به یک ملت پناهنده که میهن شان از آنها به سرقت برده شده بود، شده اند، می گذرد را یادآور می شوند. براین زمینه، مبارزه برای تاسیس یک کشور فلسطینی با پایتختی بیت المقدس شرقی، در کنار اسرائیل ادامه خواهد یافت. مبارزه همچنین برای حل مشکل پناهند گان فلسطینی بر طبق قطعنامه های سازمان ملل، و برای یافتن راه حلی برای شهروندان عرب اسرائیل که مجبور به ترک دهکده های خود شده اند و برای دهه ها به عنوان «در حال حاضر غایب» محسوب شده اند، ادامه پیدا خواهد کرد. دستیابی به حقوق برابر ملی و مدنی کامل برای اقلیت عرب فلسطنی در اسرائیل، و تبدیل اسرائیل به کشوری که در آن همه شهروندان، صرفنظر از ملیت، قومیت و یا جنسیت در برابری و احترام متقابل زندگی کنند، در تطابق با منافع عالی اسرائیل و شرطی برای یک کشور دموکراتیک بودن، است.

در پنجاهمین سالگرد تاسیس کشور اسرائیل، حزب کمونیست اسرائیل به اعضا وهواداران خود وهمه طرفداران صلح وبرابری که آن همه از خود گذشتگی در مبارزات سیاسی، اجتماعی و دموکراتیک برای تبدیل اسرائیل به یک کشور واقعا دموکراتیک که طرفدارصلح و برابری است، که در آن آزادی های دموکراتیک و حقوق کارگری بطور واقعی مورد احترامند، نشان داده اند -افتخار می کنند.

در هنگامی که با درد به قربانیان، به رنجها وبه فرصتها ی از دست رفته برای حصول صلح وبا افتخار به مواضع خود که از بوته زمان سربلند بیرون آمده اند نظر می افکنیم، حزب کمونیست اسرائیل مصمم است که با تمام نیرویش برای پایان دادن سریع به حکومت دولت دست راستی وبرای اینکه اسرائیل در جاده ای که به صلح، سعادت، بهروزی اجتماعی وبه برابری واقعی ختم می شود به حرکت آید، مبارزه کند.

سوهارتو زیر فشار استعفاء داد

بحران سیاسی اندونزی در هفته های اخیر عمق تازه ای یافته بود با استعفای سوهارتو و انتصاب حبیبی، معاون ریاست جمهوری بجای او ابعاد گسترده تری بخود گرفت. در روز ۲۲ اردیبهشت، پلیس ضد شورش با شلیک به صفوف دانشجویان معترض که خواستار استعفای سو هارتو از ریاست جمهوری بودند، و کشتن ۶ دانشجو، باعث خشم توده ها شد که بعد از ساعاتی تمامی جاکارتا و شهر های اصلی اندونزی را به آتش کشید. در جریان تحولات قبل از ۲۸ اردیبهشت بیش از ۵۰۰ نفر کشته و هزاران تن زخمی شدند. کشورهای اروپایی با درک وسعت تحولات، تخلیه شهروندان خود را از اندونزی تدارک دیدند. در روز ۲۸ اردیبهشت سخنگوی پارلمان اندونزی اعلام کرد که هر پنج فراکسیون مجلس خواستار استعفای سوهارتو شده اند وروز بعد سوهارتو در سخنرانی ای خطاب به مردم اندونزی وعده اصلاحات وانتخابات جدید در ظرف ۶ ماه آینده را داد. ژنرال ویرانتو رهبر نیروهای مسلح از تظاهر کنندگان خواست که به اعتراضات خود پایان دهند ومدعی شد که او یک شورای اصلاحات، مرکب از دانشجویان، منتقدان دولت واعضای پارلمان تشکیل داده است. ژنرال ویرانتو قبلاً گفته بود که بیانیه رهبر پارلمان در ارتباط با درخواست استعفای سوهارتو، هیچ پایه قانونی ندارد. ولیکن دانشجویان که هلهله می کشیدند، وکارمندان دولتی اخراجی واساتید دانشگاه، در روز ۲۸ اردیبهشت، قسمت هایی از پارلمان را اشغال کردند. همه شواهد بر این دلالت دارد که محافل حاکمه اندونزی با درک ابعاد بحران سوهارتو را وادار به استعفای فوری کردند تا با انتخاب حبیبی به جای او بتوانند سیستم سیاسی- اقتصادی سرمایه داری این کشور را حفظ کنند. تاپول، گروه مدافع حقوق بشردراندونزی، گفت که شکل دولت آینده بسته به ایستادگی اپوزیسیون دارد. دانشجویان به مشابه رادیکال ترین نیرو در اپوزیسیون محسوب میشوند وخواستار اصلاحات عمیق اقتصادی واجتماعی هستند. آنان خواستار برکناری فوری سوهارتو و محاکمه او و خانواده اش بودند که اندونزی را در طول ۳۲ سال گذشته چپاول کرده اند. سرکوب خونین نیروها ی دموکراتیک منجمله حزب کمونیست اندونزی واتحادیه های کارگری در گذشته، عملا امکان ونقش این نیروها را برای اعمال رهبری جنبش، محدود کرده است.

به بدهی کشور های فقیر پایان دهید!

هفتاد هزار تظاهر کننده در روز ۲۷ اردیبهشت در مقابل محل برگزاری اجلاس ۸ کشور قدرتمند جهان (گروه ۷ کشور سرمایه داری بعلاوه روسیه) در بیرمنگام در انگلستان، اجتماع کرده و خواستار شدند که ثروتمندترین کشورهای جهان سیاست صریحی نسبت به ابطال قرض های جهان سوم اتخاذ کنند. یک کارزاروسیع مردمی مرکب از ۷۰ سازمان مختلف بنام (Jubilee2000) که برای ابطال بدهی های کشور های فقر زده مبارزه می کند، معتقد است که این کشور ها هر روز ۵۰۰ میلیون پوند به عنوان بهرهٔ این قرض ها پرداخت می کنند. سازمانهای تظاهر کننده مشتمل بودند بر طیف وسیعی از کارزارهای اجتماعی- سیاسی را از گروه های وابسته به کلیسا گرفته تا نیروهای ضد امپریالیستی، فعالان حفظ محیط زیست، مخالفان «توافق چند جانبه برای سرمایه گذاری» (MAI)، گروه های مخالف اتحادیه اروپا وفعالان همبستگی با کوبا. شرکت کنندگان درحالیکه پلاکارد های خود را تکان می دادند، سوت میزدند وشعار میدادند: «قرض ها را باطل کنید» یک زنجیر انسانی به طول ۱۰ کیلو متر بدور محل برگزاری اجلاس گروه ۸ تشکیل دادند .رهبران ثروتمندترین کشورهای جهان با اعلام اینکه مصمم به «پیاده کردن سریع وموثر » ابتکار «بدهکارترین کشور های فقر زده » هستند، سعی کردند خود را در نگرانی اعتراض کنند گان شریک بدانند. رهبران گروه ۸ همچنین قبول کردند که حداقل ۱۵ کشور از لیست فقیر ترین ۲۰ کشور جهان را تا سال ۲۰۰۰ مشمول سیاست های «فقر زدایی» خود بکنند .ولی گردانندهٔ ائتلاف (Jubitee 2000)، خانم آن پتیفور، گفت که ابتکار حاضر شدیداً و بطور غم انگیزی غیر کافی است: «معافیت از قرض که اکنون صحبتش هست عملا هیچ چیزی عاید فقیر ترین ها نمی کند... بطور مثال موزامبیک، یکی از فقیر ترین کشور های جهان، در ماه گذشته از بابت معافیت از قرض فقط ۲۷ پنس برای هر نفر در سال عایدش شد... این مقدار به موزامبیک اجازه نخواهد داد که سیستم بهداشتی خود را نوسازی کند». برخی اعضای گروه ۸، مخصوصا آلمان و ژاپن با ابطال قرض ها مخالفت می کنند. آقای بیل کاش رهبر پارلمانی (Jubliee2000) به تظاهر کنندگان گفت که غرب پس از جنگ جهانی دوم قرض های عظیم آلمان و ژاپن را «بخشید »، ولی امروز «دهها هزار نفر در کشور های جهان سوم زیر فشار فقر در معرض مرگ هستند».

پیروزی صلح در رفراندوم ایرلند

با رأی بیش از ۷۰ درصد از مردم در ایرلند شمالی و ۹۶ درصد در جمهوری ایرلند، افق تازه ای برای دست یابی به صلح پایدار در این کشور پدید آمد. پس از ۲۵ سال خشونت و کشتار در ایرلند شمالی و پس از گذشت بیش از ۲ سال از شروع آخرین تلاش ها برای حل مسالمت آمیز بحران ایرلند که علت عمده آن اشغال ۶ استان شمالی این جزیره توسط امپر یالیسم انگلیس می باشد، طرفین درگیر توافق کردند که آیندهٔ کشور را به یک رفراندوم عمومی بگذارند. در ۲۰ فروردین ماه، تمامی نیروهای عمده سیاسی در گیر، از جمله دولت های انگلستان و جمهوری ایرلند، موافقتنامه ای در چار چوب حل سیاسی در گیری بین جمهوری خواهان ایرلند و طرفداران کنترل ایرلند شمالی توسط انگلستان به امضا رساندند و در راستای اجرای این موافقتنامه، در روز اول خرداد ماه مردم ایرلند شمالی به پای صندوق های رای رفتند تا نظر خود را در مورد موافقتنامه اعلام کنند. حزب کمونیست ایرلند اعلام کرده بود که در رفراندوم برای رای مثبت مبارزه خواهد کرد. حزب برادر تاکید کرد که موافقتنامه ۲۰ فروردین می تواند اساس وحدت مردم زحمتکش ایرلند شمالی را پایه ریزی کند و طرد دهها سال فرقه گرایی نهادی شده را، بشارت دهد. موافقتنامه توسعه روابطبالقوهٔ قوی میان شمال و جنوب ایرلند را در خود دارد، و این فقط میتواند به سود جنبش کارگری وسندیکایی تمامی ایرلند باشد وبه قدرت گیری آن کمک کند. حزب کمونیست همچنین از طرفداران رای منفی خواستار شده است که صریحا اعلام کنند که آیا آنها به نتیجه دموکراتیک این رفراندوم گردن خواهند نهاد ویا نه. حزب برادر همچنین اعلام کرده است که دولت ایرلند باید هر گونه کوششی به منظور تضعیف موافقتنامه را توسط آن دسته از طرفداران انگلیس، که مرتبا خواستار روشن شدن این ویا آن نکته هستند، را مانع شود. به نظر رفقای ایرلندی این نقشه ای برای به شکست کشاندن قعطنامه و جلوگیری از شرکت حزب ترقی خواه و رادیکال جمهوری خواه شین فین، در تحولات اخیر است.

تظاهرات ضد تجارت آزاد

پیش از ۱۰۰۰۰ تظاهر کننده، در روز ۱۷ اردیبهشت، در خیابانهای ژنو، ضد سازمان تجارت آزاد جهانی، و سیاستهای آن برای «تجارت آزاد » وجهانی کردن (گلوبالیسیون) راهپیمایی کردند. تظاهر کنندگان که پلاکارد هایی با شعار «سازمان تجارت جهانی را تعطیل کنید» و «در مقابل نولیبرالیسم مقاومت کنید»، حمل می کردند، قبل از اینکه به ساختمان مرکزی سا زمان تجارت جهانی، که محل یک کنفرانس ۳ روزه وزرای تجارت ۱۳۲ کشور بود، برسند، توسط سنگرها و موانع ایجاد شده توسط پلیس، متوقف شدند. سازمان دهند گان این عمل اعتراضی که تحت نام «عمل جهانی مردم »فعالیت می کند، گفتند که هدف آنها بر هم زدن گردهمایی سازمان تجارت جهانی است که قرار بود بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا در آن سخنرانی کند. انتظار می رود که بیل کلینتون در سخنرانی خود اصرار کند که ادامه تجارت آزاد ضروری خواهد بود. مقامات ژنو درصدد تدارکات امنیتی شدیدی که شامل بستن یک منطقه وسیع شهر است را برای دور نگاهداشتن تظاهرات از محل گردهمایی هستند. در این نشست قرار است در مورد پیشرفت اعمال موافقتنامه های مدرنیزه کردن اقتصادی که در سال ۱۹۹۴ امضا شد، صحبت کنند. فیدل کاسترو، رئیس جمهوری کوبا که قرار است در این گردهمایی شرکت کند، در سخنرانی ای در ژنو در روز ۲۵ اردیبهشت توضیح داد که با نظرات تظاهر کنندکان موافق است. او در سخنرانی خود که در انجمن دوستی سو ئیس- کوبا انجام میشد به سیاست تحریم اقتصادی کوبا از سوی آمریکا حمله کرد. او ایالت متحده را متهم کرد که از طریق پیمان های تجاری نظیر نفتا و مرکوسور، سیاست «تفرقه بینداز وپیروز شو» را اجرا میکند. کاسترو گفت: «تنها کشوری که از این ساختارها سود میبرد ایالات متحده آمریکا است».

پنجاه سال مبارزه مشترک

بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست اسراییل بمناسبت ۵۰ مین سالگرد پایه گذاری تاسیس کشور اسراییل

پنجاهمین سالگرد پایه گذاری اسرائیل را باید با مبارزه ای هما هنگ از سوی اعراب و کلیمیان، برای پیشبرد روند سیاسی، برگزار کرد. این روند سیاسی می باید پایان دهنده اشغال، متوقف کننده ساختمان شهرک های یهودی نشین و در بردارنده صلحی پایدار و واقعی بر پایه تاسیس یک کشور فلسطینی در کنار اسرائیل باشد. همچنین این روند باید متضمن توسعه اسرائیلی مستقل و دموکراتیک باشد که موطنی برای مردم زحمتکش بوده، که حامی برابری ملی و مدنی همه شهروندانش بوده و جائیست که برابری زنان در آن جاری است. کمونیستهای کلیمی وعرب ،که از نظر ایدلوژیک، سیاسی و سازمانی در چارچوب حزب کمونیست اسرئیل متحد هستند، سهم بزرگی در مبارزهٔ خلقهای اسرائیل و فلسطین برای زندگی توام با صلح، استقلال ملی، دموکراسی، برابری واقعی و عدالت اجتماعی دارند. کمونیستها حامیان صلح و مخا لفان نژاد پرستی بوده اند وبرای دهه ها، در فعالیت زیر زمینی ودر شرایط پیگرد، در گیر مبارزه ای پیگیر برای استقلال از تحت الحمایگی ا نگلیس، ودر جهت احترام به حق خود مختاری هر دو خلق کلیمی این کشور ومردم عرب فلسطینی بوده اند. کمونیستها ی کلیمی وعرب، وفادار به این مبارزه، از قطعنا مه مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ (آذر ۱۳۲۶) موسوم به قطنعامه تقسیم -در رابطه با ایجاد دو کشور مستقل- یک کشور عربی ویک کشور کلیمی -در قلمرو فلسطین تحت الحمایه، طرفداری کردند. از زمان قطنعنا مه تقسیم، کمونیست های اسرائیلی بطور پیگیر موضع آشتی ناپذیر خود را برای حل عادلانه درگیری اسرائیل و فلسطینیان بر بنیاد اعمال اصول آن قطعنامه حفظ کرده اند. ما خواسته خود برای ایجاد کشور مستقل فلسطینی در مجاورت اسرائیل را حتی زمانی که تنها بودیم، کنار نگذاشتیم. امروز پس از گذشت پیش از ۵۰ سال از زمان توافق بر سر آن قطنعامه تاریخی، بسیاری مردم این حقیقت را که اگر این قطعنا مه ۵۰ سال پیش اعمال شده بود، هر دو خلق می توانستند از تحمل سوگواری برای عزیزان، تلفات و رنج فراوان فارغ باشند و صلح پایداری در منطقه ما حاکم می بود. پس از تصویب قطنعا مه تقسیم، رهبری صهیونیست اعلام کرد که این قطنعامه را پذیرفته است. بهر تاویل، تجربه تاریخی نشان داده است که این رهبری از هما ن آغازبه منظورممانعت از ایجاد کشور عرب فلسطینی در مجاورت اسرائیل، پیگیرانه در جهت جلوگیری از اعمال یکپارچه قطعنا مه، عمل کرد. دستورالعمل های صادره در آن موقع، برای افزایش قلمروی که تحت کنترل نظامی اسرائیل بود، با روح «حداکثر قلمرو با کمترین تعداد اعراب» تدوین شده بود. به این علت بود که جنگ برای استقلال اسرائیل، مصادف با نابودی ۴۵۰ دهکد ه واخراج صدها هزار تن از اعراب از خانه ها یشان واز وطنشان- پدیده ای که موجب پیدایش مسئله پناهند گان فلسطینی که مردم فلسطین از آن به عنوان «فاجعه » نام می برند- شد. مسئولیت ایجاد مسئله پناهندگان فلسطینی، که هنوز هم حل نشده است، همچنین به دوش آنهایی است که با اعمال وپیاده شدن قطعنامه تقسیم، مخالفت کردند، یعنی امپریالیسم انگلیس و نیروها ی ارتجاعی عرب. کمیته عالی عربی ،که رهبری رسمی عربی در این کشوربود ،مخالفت خود را با قطعنامه اعلام کرد. انگلستان، که بیشتر کشورهای عربی در منطقه را کنترل می کرد، عملا در پشت تصمیم مداخله نظامی برای جلوگیری از پیاده شدن قطعنامه سازمان ملل قرارداشت. رهبری صهیونیست، موافقتنا مه ای با سلطان عبداله که دراردن تحت الحما یه انگلستان بود و به نیابت از سوی این کشور حکومت می کرد، امضا کرد که متضمن تقسیم اراضی ای بود که در قطعنامه، تقسیم، برای ایجاد کشور عرب فلسطینی اختصاص داده شده بود. ما با رضایت خاطر شاهد شکل گیری یک بیداری در جامعه اسرائیل در کل، و بخصوص در میان تاریخ نویسان، در ارتباط با افشای حقیقت چند جانبه در با حقایق که در جریان پدید آمدن کشور اسرائیل، ایجاد فاجعه پناهندگان فلسطینی وتاریخ خونین در گیری های میان اسرائیل واعراب وهمچنین در ارتباط با نقش حزب کمونیست در این کشور هستیم. پنجا ه سال پس از آن رخدادهای تاریخساز، کشور فلسطین ایجاد نشده و مشکل پنا هندگان به مشابه یک زخم باقی است. حزب کمونیست اسرائیل دگر باره خاطر نشان می کند که پیدا کردن یک راه حل عادلانه برای در گیری اسرائیل - فلسطینی ها، یک هدف استراتژیک مبارزه سیاسی حزب است.

این مصیبت زاست که دولت دست راستی به رهبری نخست وزیر بنیامین نتانیاهو، سیاست مخربی را در پیش گرفته است. ایجاد شهرک های یهودی نشین را برتر از توافق سیاسی میداند، راه پیشرفت توافق سیاسی را مسدود کرده است و ممکنست خلقها را به یک جنگ دیگر بکشاند. بنا براین، حزب کمونیست اسرائیل همه طرفداران صلح، چه کلیمی و چه عرب، را به مبارزه مشترکی برای تحقق آینده در بردارنده صلح و امینت، برای هر دو خلق، فرا می خواند. بدون یک توافقنامه صلح، که در چار چوب آن یک کشور مستقل فلسطینی در مجاورت اسرائیل و در اراضی اشغال شده در ژوئن ۱۹۶۷ تاسیس شود، بدون حل مسئله دو پایتخت در بیت المقدس و بدون حل مسئله پناهند گان فلسطینی، کشور اسرائیل قادر به زندگی در امنیت و دستییا بی به استقلال واقعی و خوشبختی اقتصادی نخواهد بود. در پنجاهمین سال تأ سیس، آنچه اسرائیل را بر جسته می کند شکافهای اجتماعی افزاینده، قطبی شدن ترسناک (مخوف) درآمد و مالکیت، ۲۰۰۰۰۰ نفر بیکار، رکود اقتصادی، بحران مسکن تعمیق یابنده، کوششهای ممتد دولت برای نابود کردن امکانات تامین اجتماعی وافزایش قیمت خدمات طبی وآموزشی است. آن سیاستی که ایجاد شهرک های یهودی نشین را برتر از صلح می انگارد، همان سیاستی است که سرمایه گذاری در ایجاد شهرک ها را بر سرمایه گذاری در مناطق فقیر نشین ترجیح می دهد و ازجیب کارگران، سالمندان، کودکان وبیماران میلیاردها دلار مزایا به کارفرمایان و ثروتمندان میدهد. در کنار دستاوردهای مشخص در مبارزه برای آزادی بیان و تشکل ودر کنار وجود انتخابات پارلمانی منظم، کشور اسرائیل دچار تقایص جدی ای همچون نقش فرساینده مذهب، موقعیت ممتاز ارتش در مقابل جامعه مدنی، استفاده از شکنجه به عنوان روش معمول برای بازجویی وتنبیه، تبعیض ملی وتبعیض نسبت به زنان است. استفاده از انتخابات مستقیم برای تعیین نخست وزیر، نقش قوه مجریه را در مقابل وبه قیمت نفوذ قوه مقننه تقویت کرده و دموکراسی اسرائیل خواستار یک کارزار وسیع عمومی دردفاع از دستمزدها و حقوق اجتماعی، برای حل بحران مسکن، برای آموزش رایگان ازکودکستان تا دانشگاه، برای دفاع از حقوق انسانی ومدنی وبرای ممنوعیت شکنجه و محو هر گونه تبعیضی است. در مخالفت با سیاست تبدیل اسرائیل به بهشتی برای سرمایه داران خارجی وبومی، ما شعار قدیمی خود «آنچه برای کارگران خوبست برای اسرائیل هم خوبست» را که از آزمایش زمان سر بلند بیرون آمده است، مطرح کرده ایم. اعراب که یک اقلیت ملی در اسرائیل محسوب شده وبخشی از خلق عرب فلسطینی هستند، در ۵۰ سال گذشته مبا رزه عمومی

ادامه در ص ۶

کمک های مالی رسیده

رفقای توده ای اسلو	۷۰۰ کرون
به یاد رفیق شهید داود زمانی، مهرناز از آلمان	۳۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:532
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm

26 May 1998

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام	IRAN e. V.
شمارهٔ حساب	790020580
کد بانک	10050000
بانک	Berliner Sparkasse